ادامه از صفحه ۸

دولت‌ستیزی محور جنبش‌های اصلاحی

ما نباید تا ابد خودمان را گروگان ساختارها دربیاوریم. اکنون ما با وضعیت دیگری مواجهیم که راه‌های برون‌رفتی دارد و ظرفیت‌هایی بوده؛ اما به دلیل ندانم‌کاری‌های بازیگران سیاسی و بغرنجی وضعیت اجتماعی باعث ناکامی شده است.

اگر برای نیل به جامعه‌ای توسعه‌یافته، به جای گذاشتن نقطه تأکید بر جنبش‌های سیاسی و احزاب و... بر تشکل‌یابی نیروهای اجتماعی مانند اصناف، کارگران، کشاورزان و... تأکید کنیم، آیا ممکن خواهد بود که با توانمندکردن و سازماندهی جامعه بدون درغلتیدن به منازعات پرتنش سیاسی که روند هر سه تجربه اصلاحی در ایران هم بوده، به وضعیت مطلوب و بدیل گذر کنیم؟

بالاخره باید بدانیم که جامعه موجود زنده‌ای است که دارد کار می‌کند. اجزای خیلی متفاوتی در سطوح مختلف دارد که همه آن اجزا باید به‌صورت تشکل‌یافته‌تری فعالیت کند. شاید برخی جنبش‌ها واجد ایده‌های رادیکالی باشند که در موقعیت‌های شکننده کارهای ماجراجویانه‌ای از آنها سر بزند. مفهوم جامعه مدنی اما مفهومی لیبرالی است و بیشتر متأثر از فکر و اندیشه جان لاک و هابز است؛ اما در مارکسیسم ارتدوکس، جامعه مدنی به‌عنوان مانعی برای انقلاب فهمیده می‌شود و جایی است که از نظر آن ایدئولوژی حاکم را بازتولید می‌کند. منظور گرامشی از جامعه مدنی پدیده‌ای منفی است که باید در ابتدا آن را هدف قرار داد تا سپس انقلاب رخ دهد.

بنابراین هرگاه جمعی صورت می‌گیرد و کاری انجام می‌شود، باید به صورت حلقه‌های آگاهی تجلی یابند. خیلی هم لازم نیست که وقتی از تشکل سخن می‌گوییم، حتما باید روابط سازمان‌یافته‌ای را به آنها تحمیل کنیم. گرچه برخی گروه‌های اجتماعی به‌لحاظ نوع موقعیت اجتماعی که دارند، میزان همبستگی‌شان زیاد است و برخی نیز چنین نیستند؛ اما اگر این نیروها کارکرد واقعی خودشان را پیدا کنند و از عنصر آگاهی به معنای واقع‌بینی و شناخت مدل‌های مختلف اداره یک سازمان و تشکل و جامعه نیز برخوردار باشند، خیلی کمک‌کار خواهد بود. وقتی مطالبات نیروی اجتماعی شکل می‌گیرد، این مطالبات را خود به خود تحمیل می‌کند. گرچه این نیروها می‌توانند حتی به‌صورت جزئی و درون سطوح خانوادگی یا از طریق تغییر فرهنگ زندگی شخصی هم تحول ایجاد کنند؛ اما وقتی دولتی بر سر کار است که یک‌سری منفذها را باز می‌گذارد و در حوزه سیاست اقتدار دارد و تحکم می‌کند، کار و فعالیت در حوزه اجتماعی می‌تواند خیلی مؤثر باشد. گاهی دولت غفلت‌هایی انجام داده که این نیروهای اجتماعی در پاسخ به آن غفلت‌ها پدید آمده‌اند. مانند اتفاقاتی که پس از جنگ در ایران پیش آمد و نیروی بالنده اجتماعی شکل گرفت. آن نیرو اگر در دعواها و منازعه‌های سیاسی تحلیل نمی‌رفت، خیلی می‌توانست محل اثر باشد. شاید اگر چهار سال دیگر فرصت داشت، می‌توانست در سال ۸۰ فصل‌الخطاب باشد. این نیروها باید وقتی تبلور سیاسی پیدا کنند که نیروی اجتماعی بتواند مؤثر عمل کند. البته برخی موارد نیز اجتناب‌ناپذیر پیش آمده است. بالاخره این جامعه خواست‌ها، مطالبات و نیازهایی دارد که خیلی طبیعی و عادی است و برآورده نمی‌شود. آن بالا هم در حال یکدست‌شدن است و همین یکدست‌شدن ممکن است به واقع‌بینی قدرت کمک بیشتری کند؛ چراکه نیرویی وقتی در جایگاهی قرار می‌گیرد که قدرت دارد؛ ولی مسئولیت ندارد، دچار توهم می‌شود؛ اما وقتی در جایگاهی قرار می‌گیرد که صبح تا غروب باید نان و آب و برق مردم را تأمین کنند، بر ذهن نیروها در هرم قدرت مؤثر خواهد بود و اندیشه‌هایش را دگرگون خواهد کرد. البته به شرطی که دفعتا پول بادآورده‌ای از قِبل نفت به دست نیاید. این روند به مرور در ایران اتفاق می‌افتد و گاهی اوقات آگاهی‌هایی که در جامعه به وجود آمده، اجازه روندهایی را نمی‌دهد و دولتمردان مجبورند که تغییر مسیر دهند. اگر در همین مدت چهارساله به جای روحانی، یکی از نیروهای وابسته به قدرت بر سر کار بود و تمام انرژی اجتماعی و فشارش به‌لحاظ روانی به سیستم وارد می‌شد، به نظرم وضع خیلی بهتر بود. در نتیجه به نظرم نیاز نیست کار شاقی صورت گیرد. برخی کارهای منفی در جهت هرزرفتن انرژی‌ها نباید صورت بگیرد. به نظرم برخی نیروهای سیاسی خود مشکل هستند و نمی‌توانند چیزی از مشکلات بکاهند.

کار امثال ما در دوره اصلاحات این بود که نسبت‌به بروز مشکلات و بحران‌های خفته هشدار دهیم و معضلات رخ‌داده، به‌طورکامل قابل پیش‌بینی بود. باید یک نیروی آگاه اجتماعی این مسائل را هشدار می‌داد که قدرت سیاسی این چشم‌انداز را ببیند و مقداری از آن بترسد؛ اما این‌قدر بد عمل شده که بحران‌ها یا شبه‌بحران‌ها اکنون تبلور عینی پیدا کرده و خودِ واقعیت به زبان آمده است. دیگر امثال ما هر روز از فقر و آلودگی و ترافیک و نابسامانی و وضعیت وخیم محیط زیست و منابع آبی که با بحران مواجه شده، سخن بگوییم جنبه هشدار ندارد؛ چراکه خود این مشکلات رخ‌داده به صدا درآمده و از قضا گوش فلک را هم کر کرده است. بالاخره کسی که قدرت را در دوره آینده در دست می‌گیرد، باید به این موارد پاسخ درستی دهد که آن هم به لوازمی احتیاج دارد. وگرنه دچار حوادثی می‌شویم که از کنترل همه ما خارج است. در نتیجه وضعیت ما به این راه دوگانه رسیده و غریزه بقای کسی که می‌خواهد قدرت را تصاحب کند، دست‌کم موجب شود که برخی مسائل را سامان دهد.

عکس: سعید سجادی، فارس

دردسر جدید استقلال

باشگاه فوتبال استقلال این روزها مستعد کوچک‌ترین جرقه برای یک آتش‌بازی بزرگ است؛ پس از حذف این تیم از لیگ قهرمانان آسیا، دوباره زخم کهنه اختلاف‌نظر مدیرعامل و سرمربی سر باز کرد و درنهایت احمد مددی که پیش از این قابل حدس بود با روی‌کارآمدن دولت جدید، استعفایش را بنویسد (درست مثل همتایش در باشگاه پرسپولیس) این کار را انجام داد و رفت. هواداران پرشمار باشگاه آبی پایتخت که خروج مدیرعامل را یک پیروزی بزرگ برای فرهاد مجیدی، سرمربی، می‌دانستند، این اتفاق را منشأ خیر برای استقلال توصیف کردند؛ ولی مصاحبه‌های گاه‌وبیگاه یکی، دو مربی و پیش‌کسوت قدیمی استقلال دوباره آرامش را از این تیم در آستانه شروع رقابت‌های لیگ برتر گرفته است. حال، هنوز مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره جدید باشگاه معرفی نشده، بازار شایعات داغ است و بسیاری از آنها هم فرهاد مجیدی، سرمربی کنونی را نشانه رفته که هر روز یک گزینه جدید به جایش معرفی می‌شود. فرهاد مجیدی اما بی‌توجه به شایعه‌هایی که درباره‌اش در این مسیر رایج شده، فقط با انتشار استوری‌ای در فضای مجازی از این گفته است که به‌زودی به‌صورت تصویری با هواداران استقلال درباره رخدادهای اخیر حرف خواهد زد.

هنوز تب‌وتاب این اخبار فروکش نکرده که حکم کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال، همه‌چیز را برای سرمربی و هواداران استقلال به هم ریخته است. کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال در اعلام آرای جدیدش، سرمربی تیم استقلال تهران را با محرومیت مواجه کرد و نوشت: «فرهاد مجیدی، سرمربی تیم استقلال تهران، به پرداخت ۵۰۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده است. مجیدی از هرگونه فعالیت در حوزه فوتبال و شرکت در مسابقات و ورود به ورزشگاه منع شده است و فعالیت او صرفا پس از اجرای حکم و با اخذ تأییدیه از کمیته اخلاق امکان‌پذیر خواهد بود». جریمه ۵۰ میلیون تومانی فرهاد مجیدی سروصدای زیادی به راه نینداخت، اما ممنوعیت او از انجام هرگونه فعالیت در مسابقات و ورود به ورزشگاه‌ها، موضوعی بود که بسیاری از هواداران استقلال و البته رسانه‌ها را به تکاپو انداخت تا دلیل چنین حکمی را جویا شوند. اقدام عجیب کمیته اخلاق مبنی‌بر عدم درج تخلف صورت‌گرفته ازسوی مربی و بازیکنان فوتبال هم دلیل مضاعفی برای گمانه‌زنی‌های مختلف شد. اینکه فرهاد مجیدی ازسوی کمیته اخلاق و نه انضباطی محروم شده، به این معناست که اقدام او ارتباطی به زمین بازی و هنگام مسابقه نداشته و مربوط به موضوعات پیرامونی است. البته گمانه‌زنی‌های عجیب‌وغریبی درباره دلیل این محرومیت مطرح شد و حتی عده‌ای آن را مرتبط با اتفاقات پیش از بازی استقلال با الهلال در امارات دانستند؛ ولی باشگاه استقلال، برای جلوگیری از گمانه‌زنی بیشتر، با صدور بیانیه‌ای از این گفت که محرومیت مجیدی به‌دلیل صحبت‌هایش علیه محمدجواد آذری‌جهرمی، وزیر ارتباطات دولت روحانی است. در بیانیه باشگاه استقلال آمده است: «بعد از اعلام حکم کمیته اخلاق درخصوص فرهاد مجیدی، سرمربی استقلال، شایعاتی درخصوص دلیل این رأی مطرح شده که به این وسیله این شایعات رد می‌شوند. دلیل رأی صادره درخصوص آقای مجیدی، عدم پرداخت جریمه صادرشده به دلیل اظهارات ایشان درخصوص آذری‌جهرمی وزیر وقت ارتباطات است».

و دوباره آذری‌جهرمی

مسئولان باشگاه استقلال در شرایطی نگاه‌ها را متوجه آذری‌جهرمی، وزیر ارتباطات وقت کردند که پیش از این، چندین‌بار از کری‌خوانی‌های این وزیر که خودش را هوادار پرسپولیس معرفی کرده بود، گلایه داشتند. آذری‌جهرمی اما هر بار با بیان این موضوع که نظرات شخصی‌اش به‌عنوان یک هوادار را عنوان کرده، اتهام استقلالی‌ها مبنی‌بر کمکش به پرسپولیس را بی‌اساس می‌خواند. البته استقلالی‌ها با اشاره به آذری‌جهرمی، تا حدود زیادی موفق به آرام‌کردن فضا شدند و این‌بار دوباره هواداران استقلال را علیه وزیر دولت روحانی کردند. ماجرایی که باشگاه استقلال به آن اشاره داشت، اما مربوط به دربی ۹۵ بود که با نتیجه یک بر صفر به سود پرسپولیس خاتمه یافت. پس از آن بازی، محمدجواد آذری‌جهرمی در یک استوری اینستاگرامی به کری‌خوانی علیه استقلال پرداخت. وزیر ارتباطات با کنایه به استقلالی‌ها نوشت: «این دو ستاره استقلال سیاره است!». کری‌خوانی آذری‌جهرمی با واکنش تند فرهاد مجیدی در کنفرانس خبری بعد از بازی همراه شد و او با الفاظ ناشایستی درباره آذری‌جهرمی حرف زد. «در مورد آقای جهرمی هم (با سؤال از مدیر رسانه‌ای که فامیل وزیر ارتباطات را درست گفته باشد) واقعا باعث تأسف است یک وزیر مملکت -البته وجود همین وزیرهاست که مملکت به این روز افتاده است- آن‌قدر شعور ندارند که بدانند یک قشری از هواداران استقلال، جوانانی هستند که با برد و باخت استقلال یک هفته خوشحال‌اند و یک هفته ناراحت و این موقع می‌آیند و توی این وضعیت این صحبت‌ها را می‌کنند. امیدوارم ایشان که بالاخره وزیر یک مملکت هستند، سطح شعورشان هم در سطح وزیر باشد». با مرور این صحبت‌ها، بخش زیادی از هواداران فوتبال قانع شدند که فرهاد مجیدی به‌دلیل حرف‌هایش علیه آذری‌جهرمی محروم شده است؛ ولی استوری وزیر سابق حسن روحانی همه‌چیز را به هم ریخت. آذری‌جهرمی نوشت هرگز شکایتی از فرهاد مجیدی نداشته و حال او بعد از شکست در دربی را درک کرده و ناراحتی‌ای از سرمربی استقلال نداشته است. آذری‌جهرمی حتی از مسئولان خواست در رفع محرومیت فرهاد مجیدی بکوشند. این‌طور شد که دوباره آذری‌جهرمی به‌عنوان متهمی غیرواقعی در موضوع فوتبال پایش به میان آمد و نامش مطرح شد. در نهایت اما کار به جایی رسید که از فدراسیون فوتبال خبر رسید نه صحبت‌های مجیدی علیه آذری‌جهرمی، بلکه صحبت‌های فرهاد مجیدی علیه داوران بعد از بازی با آلومینیوم اراک دلیل محرومیت فرهاد مجیدی است. البته آن موضوع هم نکته مهمی در دل دارد؛ فرهاد مجیدی بعد از آن بازی بدون اشاره به اسم آذرجهرمی گفت از وقتی آن صحبت‌ها {علیه آذری‌جهرمی} مطرح شده، همه با ما بد شده‌اند و می‌خواهند به استقلال ضربه بزنند. هرچه بود، اما واکنش باشگاه استقلال به مطرح‌کردن نام آذری‌جهرمی، آن‌هم بدون اینکه وزیر دولت روحانی شکایتی ترتیب داده باشد، عجولانه و شتاب‌زده به نظر رسید.

هیاهو برای هیچ؟

فارغ از موضوع آذری‌جهرمی، به نظر می‌رسد در رأی صادرشده علیه فرهاد مجیدی، هیاهوی بی‌دلیلی به راه افتاده است؛ در واقع ممنوعیت فرهاد مجیدی از حضور در مسابقات و ورزشگاه‌ها در این رأی زیر ذره‌بین قرار گرفته که به نظر می‌رسد اصلا موضوع حادی نیست! با مرور همان حکم کمیته اخلاق، به غیر از فرهاد مجیدی، چندین بازیکن و مربی دیگر هم در همان حکم جریمه شده‌اند که همگی مثل فرهاد مجیدی حضورشان در مسابقات و ورزشگاه‌ها منوط به پرداخت جریمه شده است. اتفاقا با مرور بقیه احکام صادرشده از سوی این کمیته، مشخص می‌شود این بند بهصورت خودکار در همه آرا قید شده و ارتباطی به فرهاد مجیدی یا هر بازیکن و مربی خاصی ندارد. پس فرهاد مجیدی با پرداخت همان ۵۰ میلیون تومان به‌راحتی در مسابقات رسمی تیمش شرکت خواهد کرد و مشکلی از این بابت نخواهد بود.

نوید شمس، نابغه ۱۶ساله پینگ‌پنگ ایران

پدرم مرا به اینجا رساند

شرق: نوید شمس، چهره نوظهور این روزهای پینگ‌پنگ ایران است؛ نابغه کم‌سن‌وسالی که سکوهای جهانی را نشانه گرفته است. او اگرچه پیش از این با قهرمانی در مسابقات نونهالان و نوجوانان جهان شایستگی‌هایش را اثبات کرده بود اما با عملکردی که در پرتغال از خود به نمایش گذاشته، همه را غافلگیر کرده است. نوید درحالی با ۱۶ سال در رقابت‌های «استار کانتندر» شرکت کرد که رده سنی مسابقات امیدها بود. او اما آن‌قدر در این میدان فوق‌العاده ظاهر شد که توانست به مدال ارزشمند نقره دست یابد. نوید رسیدن به این موفقیت بزرگ را مدیون زحمات پدرش، قهرمان اسبق پینگ‌پنگ کشور می‌داند که از پنج‌سالگی مربی‌اش بود و او را به اینجا رساند.

شمس دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «به نظرم نتیجه غیرقابل‌باوری برای پینگ‌پنگ ایران رقم خورد. البته که من خودم باور رسیدن به سکوهای جهانی را همیشه داشتم؛ چراکه ۱۱ سال است که شب‌وروز زندگی‌ام را پای ورزش گذاشتم. این اولین مدال بین‌المللی ایران در فرمت جدید مسابقات جهانی پینگ‌پنگ است. از سال ۲۰۲۰ فرمت مسابقات تغییر کرده و رده سنی آن از زیر ۱۸ سال به زیر ۱۹ سال یعنی امیدها رسیده است. مهم‌تر از همه اینکه رقابت خیلی سخت‌تر از گذشته شده است. امسال تازه اولین سالی بود که من وارد رده سنی امیدها شدم. همه نفرات حاضر در این رقابت‌ها شناخته‌شده بودند. نفر سوم که بازیکنی از کشور روسیه بود، جزء بازیکنان مطرح دنیاست و همه او را به‌عنوان یک بازیکن بزرگسالان می‌شناسند. خوشحالم که به‌عنوان اولین ایرانی در این رقابت‌ها مدال گرفتم. نمی‌دانم چطور بگویم که پدرم چقدر زحمت مرا کشید تا به اینجا برسم. برادرم هم که جزء بازیکنان سابق تیم ملی است، در این راه خیلی به من کمک کرد. من به پشتوانه این دو نفر توانستم موفق باشم». دارنده دو مدال طلای نونهالان و دو مدال نوجوانان جهان به‌تازگی لژیونر هم شده و در لیگ برتر لهستان هم توپ می‌زند: «تقریبا یک‌ماهی می‌شود که وارد لیگ لهستان شدم. مسابقات رده بزرگسالان است و سطح بالایی دارد. باید از مهندس افشین بدیعی که نایب‌رئیس کنفدراسیون پینگ‌پنگ آسیا است، تشکر ویژه کنم که با حمایت‌هایشان باعث شدند من دیده شوم و به لیگ لهستان راه پیدا کنم. ایشان به لحاظ مالی هم خیلی از من حمایت کردند و به‌واسطه ارتباط‌هایشان برایم اسپانسر گرفتند تا بتوانم بدون دغدغه در مسابقات جهانی حاضر شوم. کسانی که در پینگ‌پنگ هستند، می‌دانند که من چه می‌گویم».

قهرمان نونهالان آسیا امیدوار است که هرچه زودتر خودش را به جمع تیم ملی بزرگسالان اضافه کند: «هدفم این است که امسال در مسابقات کشوری بزرگسالان شرکت کنم تا عضو تیم ملی این رده شوم. سال آینده بازی‌های آسیایی است و حضور در این بازی‌ها برایم خیلی اهمیت دارد. ما دوره قبل بازی‌های آسیایی توسط آقای نوشاد عالمیان بعد از ۵۰ سال صاحب مدال برنز شدیم. کار ایشان خیلی بزرگ و تاریخی بود. آقای عالمیان یک استثنا هستند و همیشه الگوی من هستند. همیشه از پشتکار او درس گرفته‌ام. من تلاش می‌کنم که شانس حضور در این بازی‌ها را به دست آوردم و این مدال را تکرار کنم یا بهترش را بگیرم».

شمس از مسئولان ورزش کشور می‌خواهد نگاه عمیق‌تری به پینگ‌پنگ داشته باشند: «از مسئولان می‌خواهم که نگاهشان به رشته ما تغییر کند. ما استعدادهای زیادی داریم که به حال خودشان رها شده‌اند. بازیکن باید مورد حمایت قرار بگیرد. پینگ‌پنگ یک ورزش لاکچری است که هزینه‌ها در آن خیلی بالاست. وقتی پولی نباشد، طبیعی است که استعدادی هم نمی‌ماند. هزینه عوض‌کردن راکت و رویه آن ارزان نیست که هرکسی از عهده آن برآید. این‌همه به فوتبال توجه شد اما چه نتیجه‌ای حاصل شده؟ ما که چیزی ندیدیم. اگر ۱۰ درصد پولی را که در فوتبالی خرج شده، به پینگ‌پنگ داده بودند، الان ما مدال آسیا و جهان داشتیم. خود من در تمام این سال‌ها از طرف هیچ ارگانی حمایت نشدم. هرچه بوده شخصی بوده. خواهش می‌کنم که بیشتر حمایتمان کنید تا بتوانیم برای ایران افتخارآفرینی کنیم».

خبر

پاسخ قائمی به خبر فدراسیون والیبال:

حاضر نیستم به دروغ، حقیقت را انکار کنم

● فرهاد قائمی با انتشار پستی جواب فدراسیون والیبال را داد. به گزارش ایسنا، روز چهارشنبه کمیته انضباطی فدراسیون والیبال رأی خود را درباره پرونده فرهاد قائمی صادر و اعلام کرد و این بازیکن را به سه ماه محرومیت قطعی و ۵۰۰ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم کرد. در رأی فدراسیون والیبال آمده است: کمیته انضباطی فدراسیون والیبال برای رسیدگی به پرونده قائمی باحضور همه اعضا، سرپرست و مربی تیم ملی (در بازی‌های المپیک توکیو) و فرهاد قائمی روز دوشنبه ۲۲ شهریور برگزار شد و پس از بررسی پرونده و شنیدن اظهارات مدعوین، با توجه به عذرخواهی و اظهار ندامت فرهاد قائمی در جلسه کمیته انضباطی از صحبت‌های مطرح‌شده، این بازیکن را به سه ماه محرومیت قطعی و ۵۰۰ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم کرد. انتشار خبر اظهار ندامت قائمی در حالی است که این بازیکن این صحبت‌ها را تکذیب کرده است. ملی‌پوش والیبال ایران در فضای مجازی نوشت: متأسفانه احساس ندامت ندارم و با وجدان راحت می‌گویم که فقط حقیقت را گفتم. البته تمام گفته‌های بنده در مصاحبه‌های بازیکنان و مربیان تیم ملی تأیید شد. همچنین در مصاحبه‌های متعدد توهین‌های زیادی به من شد که در پاسخ فقط سکوت کردم. با وجود این اتفاقات پذیرفتم که باید کلمات شایسته و رسمی‌تری برای اعلام در رسانه عمومی انتخاب می‌کردم و تنها به همین دلیل است که عذرخواهی کردم. تأکید می‌کنم تمام گفته‌های من در مصاحبه واقعیت بوده و حاضر نیستم به دروغ حقیقت را انکار کنم؛ حتی اگر نتیجه محرومیت از بازی باشد. به گزارش ایسنا، تیم ملی والیبال ایران که با هدایت ولادیمیر آلکنو روس کار خود را در لیگ ملت‌های والیبال آغاز کرد، شروع خوبی از خود نشان نداد. پس از نتیجه‌های ضعیف در لیگ ملت‌های والیبال رئیس فدراسیون والیبال از مردم عذرخواهی کرد و در پیامی از حضور فرهاد قائمی در تیم ملی والیبال خبر داد؛ حضور قائمی در تیم ملی والیبال در حالی بود که این بازیکن قبل از شروع لیگ ملت‌های والیبال از تیم ملی خداحافظی کرده بود. پس از بازگشت ملی‌پوشان والیبال به ایران و استراحت کوتاه، از شنبه ۱۲ تیر تمرین تیم ملی با حضور ۱۹ بازیکن آغاز شد. آلکنو باید از این ۱۹ بازیکن تنها ۱۲ والیبالیست را با خود به المپیک می‌برد. در این لیست ۱۹نفره منتشرشده نام فرهاد قائمی هم دیده می‌شد. آلکنو پس از حضور در تمرین تیم ملی والیبال بر روی نام سه بازیکن خط قرمز کشید که فرهاد قائمی هم جزء بازیکنان خارج‌شده از اردوی تیم ملی والیبال بود. پس از خارج‌کردن نام این ملی‌پوش از لیست تیم ملی، او در مصاحبه‌ای از خجالت فدراسیون والیبال درآمد و صحبت‌های شائبه‌برانگیزی را مطرح کرد.

کارت خودرو پژو ۲۰۶U۳
شماره شاسی:NAAPO۳ED۸۹JO۵۶۳۴۵
شماره پلاک:۸۸ ایران ۸۴۹ ل ۱۲
مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد شریعت زاده جنیدی وکالتا باستناد وکالت نامه شماره ۳۰۷۸۹ مورخ ۹۹/۳/۳ وسند اقرارنامه اصلاحی شماره ۳۶۸۲۹ مورخ ۱۴۰۰/۶/۱۷ دفترخانه یک پیشوا از طرف وراث آقای مهدی شریعت زاده جنیدی به نامهای خانم فاطمه رحیمی جعفری و خانم لعیا شریعت زاده جنیدی و آقای عرفان شریعت زاده جنیدی و آقای علی شریعت زاده جنیدی با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم دو برگ استشهادیه گواهی امضا شده ذیل شماره ۱۴۸۸۲ مورخ ۱۴۰۰/۶/۱۵ دفترخانه یک پیشوا طی درخواست وارده ۱۰۲۳۰۱۶۴۴۳ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲۰ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد: ۱- نام و نام خانوادگی : وراث آقای مهدی شریعت زاده جنیدی مالک شش دانگ ۲- شماره پلاک : ۵۴۰۱۷ فرعی از ۱۲۶ اصلی واقع ۳- علت گم شدن: جابه جایی ۴- خلاصه وضعیت مالکیت : سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی بمساحت ۷۵/۹۰ متر مربع که مقدار ۸/۸۰ متر مربع آن پیشرفتگی بفضای خیابان و ۱/۲۸متر مربع آن بالکن است واقع در سمت شمالی طبقه دو بشماره ۵۴۰۱۷ فرعی از ۱۲۶ اصلی قطعه۶ تفکیکی مفروز و مجزی شده از شماره ۳۲۰۶ فرعی واقع در بخش ۱۱ تهران بانضمام پارکینگ قطعه ۵ تفکیکی به مساحت ۱۱ متر مربع واقع در سمت جنوبی زیرزمین اول بانضمام انباری قطعه ۲ تفکیکی به مساحت ۴/۵ متر مربع واقع در سمت شمالی زیرزمین اول ذیل شماره ثبت ۳۳۵۷۵۶ صفحه ۳۹۱ دفتر املاک ۱۳۷۰ بشماره چاپی ۸۱۹۹۷۲ به نام مهدی شریعت زاده جنیدی صادر گردیده است .سپس نامبرده بموجب دادنامه گواهی حصر وراثت شماره ۹۹۰۹۹۷۷۸۴۷۲۰۰۲۴۹ مورخ ۹۹/۴/۲۸ شعبه ۲شورای حل اختلاف شهرستان پیشوا و گواهی واریز مالیات بر ارث شماره ۸۰۰۰۷۸ مورخ ۹۹/۱۰/۸ اداره کل امور مالیاتی جنوب استان تهران- پیشوا فوت نموده و وراث حین الفوت وی عبارتند از آقای عرفان شریعت زاده جنیدی و آقای علی شریعت زاده جنیدی و محمد شریعت زاده جنیدی (پسران متوفی) و خانم لعیا شریعت زاده جنیدی(دختر متوفی) و خانم فاطمه رحیمی جعفری (همسر متوفی) و ورثه دیگری ندارد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.
م الف ۱۳۰۵۳ سرپرست واحد ثبتی حوزه ملک کن تهران

آگهی احراز تصرفات موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی آن مصوب ۹۰/۹/۲۰
نظر به اینکه به استناد رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۱۰۲۶۰۰۰۴۴۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲۴ موضوع پرونده کلاسه شماره ۱۳۹۷۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۰۲۷ هیئت رسیدگی کننده قانون صدرالذکر مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک قلهک تهران تصرفات بلامنازع آقای کیانوش ولی زاده به شماره شناسنامه ۲۳۲ و کد ملی ۳۹۳۴۷۸۲۲۵۶ صادره از ملایر نسبت به قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن بمساحت ۲۱۴/۸۵ از پلاک ثبتی ۱۴۱۵۶ فرعی از ۴۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۷۰ واقع در بخش ۱۱ تهران حوزه ثبتی قلهک انتقالی از زهرا هروی احراز شده لذا به استناد ماده ۳ قانون مذکور مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه شخص و یا اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به موضوع صدور سند بنام متقاضی مذکور هرگونه اعتراضی دارند ظرف مهلت دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به این اداره مراجعه و ضمن اعلام اعتراض و اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به دادگاه عمومی محل وقوع ملک تقدیم نموده و گواهی مربوطه را از دادگاه اخذ و به این اداره تحویل نماید در غیر اینصورت پس از سپری شدن مهلت مقرر سند مالکیت وفق مقررات صادر خواهد گردید.
م الف ۱۳۰۵۱ رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قلهک تهران

سازمان آگهی های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹